

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه گیلان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

حسامیزی در شعر هفت شاعر معاصر

(نیما ، شاملو ، اخوان ، سپهری ، فرخزاد ، شفیعی کدکنی و امین پور)

از :

علیرضا انصاری پیری

استاد راهنما :

دکتر محمدعلی خزانه‌دارلو

استاد مشاور :

دکتر فیروز فاضلی

۱۳۸۹ / ۷ / ۳

تیم اساتید دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گیلان

مرداد - ۱۳۸۸



۱۴۱۵۷۰

تقدیم به :

پدر و مادرم که نام و یادشان درخشان و پرفروغ بر جدار کلبه‌ی دلم نقش بسته‌است .

و

به همسر و فرزندانم که شمع وجودشان به کلبه‌ی دلم صفا و روشنی بخشیده‌است .

تقدیر و تشکر :

خدای را شاکرم که توفیق رهپویی در وادی علم و دانش به اینجانب عطا کرد تا شاید در پرتو مشعل علم بتوانم در تاریخزار زندگی ره به سعادت و رستگاری برم

یقیناً اگر دستگیری‌ها و راهنمایی‌های استادان ارجمند در گروه ادبیات دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی به ویژه جناب آقای دکتر محمدعلی خزانه‌دارلو به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر فیروز فاضلی به عنوان استاد مشاور نبود ، هرگز با بضاعت اندک خود قادر به پیمودن این راه نبودم . از اینرو از همه‌ی استادان بزرگوار و دوستان همراه به ویژه دکتر خزانه‌دارلو و دکتر فاضلی به پاس همه‌ی همراهی‌های بزرگوارانه و راهنمایی‌های عالمانه سپاس و امتنان دارم .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ب	تقدیم نامه
پ	تقدیر و تشکر
خ	چکیده‌ی فارسی
د	چکیده‌ی انگلیسی
۳-۱	مقدمه
۲۶-۴	فصل اوّل - کلیّات
۵	(۱-۱) شعر چیست ؟
۵	(۱-۱-۱) معنی لغوی شعر
۵	(۲-۱-۱) معنی اصطلاحی شعر
۶	(۳-۱-۱) عناصر شعر
۷	(۲-۱) حسّامیزی
۸	(۱-۲-۱) پیشینه‌ی حسّامیزی
۹	(۲-۲-۱) تعریف حسّامیزی
۱۰	(۳-۲-۱) انواع حسّامیزی
۱۰	(۱-۳-۲-۱) انواع حسّامیزی از نظر نسبت حواس
۱۱	(۲-۳-۲-۱) انواع حسّامیزی از نظر کاربرد
۱۲	(۳-۳-۲-۱) انواع حسّامیزی از نظر اصل زیبایی شناسی
۱۲	(۴-۳-۲-۱) انواع حسّامیزی از نظر نسبت دادن امور حسی به امور انتزاعی
۱۳	(۴-۲-۱) حسّامیزی در شعر فارسی
۱۸	(۵-۲-۱) حسّامیزی و زبان شناسی
۲۰	(۶-۲-۱) حسّامیزی و زیبایی شناسی
۲۴	(۷-۲-۱) حسّامیزی و روان شناسی
۴۶-۲۷	فصل دوّم - نیما یوشیج
۲۸	(۱-۲) نگاهی گذرا به زندگی نیما یوشیج
۲۹	(۲-۲) معرفی اجمالی مجموعه‌ی کامل اشعار نیما یوشیج
۳۰	(۳-۲) نگاهی اجمالی به ویژگی‌های شعر نیما یوشیج
۳۲	(۴-۲) حسّامیزی در شعر نیما یوشیج
۳۲	(۱-۴-۲) حسی - حسی
۳۷	(۲-۴-۲) حسی - غیر حسی
۴۰	(۳-۴-۲) ویژگی‌های حسّامیزی در شعر نیما

- ۴۱-۴-۲ کارکردهای حسامیزی در شعر نیما ۴۱
- ۴۱-۴-۲ همخوانی حسامیزی با بن مایه (موتیف) های شعر نیما ۴۱
- ۴۴-۴-۲ حسامیزی عامل رمزگشایی نمادهای به کاررفته در شعر نیما ۴۴

فصل سوّم - احمد شاملو ۷۴-۴۷

- ۴۸-۳ (۱) نگاهی گذرا به زندگی شاملو ۴۸
- ۵۰-۳ (۲) نگاهی گذرا به ویژگی‌ها و مجموعه اشعار شاملو ۵۰
- ۵۴-۳ (۳) حسامیزی در شعر شاملو ۵۴
- ۵۴-۳ (۱) حسی - حسی ۵۴
- ۶۱-۳ (۲) حسی - غیرحسی ۶۱
- ۶۴-۳ (۳) ویژگی‌های حسامیزی در شعر شاملو ۶۴
- ۶۸-۳ (۴) کارکردهای حسامیزی در شعر شاملو ۶۸
- ۶۸-۳ (۱) همخوانی با تصاویر شعر ۶۸
- ۷۱-۳ (۲) تأثیربخشی عاطفی شعر ۷۱
- ۷۲-۳ (۳) تسهیل‌کننده‌ی فرایند معنی‌زایی ۷۲
- ۷۳-۳ (۴) تکمیل‌کننده‌ی موسیقی شعر ۷۳

فصل چهارم - مهدی اخوان ثالث ۱۰۲-۷۵

- ۷۶-۴ (۱) نگاهی گذرا به زندگی اخوان ۷۶
- ۷۷-۴ (۲) معرفی اجمالی مجموعه‌های شعر اخوان ۷۷
- ۸۳-۴ (۳) نگاهی اجمالی به ویژگی‌های شعر اخوان ۸۳
- ۸۵-۴ (۴) حسامیزی در شعر اخوان ۸۵
- ۸۵-۴ (۱) حسی - حسی ۸۵
- ۹۲-۴ (۲) حسی - غیرحسی ۹۲
- ۹۵-۴ (۳) ویژگی‌های حسامیزی در شعر اخوان ۹۵
- ۹۶-۴ (۴) کارکردهای حسامیزی در شعر اخوان ۹۶
- ۹۶-۴ (۱) همخوانی حسامیزی با بن‌مایه (موتیف) های شعر اخوان ۹۶
- ۱۰۱-۴ (۲) تأثیر لحظات ناب شاعرانه در خلق حسامیزی های خلاق ۱۰۱

فصل پنجم - سهراب سپهری ۱۰۳-۱۳۳

- ۱۰۴-۵ (۱) نگاهی گذرا به زندگی سهراب سپهری ۱۰۴
- ۱۰۵-۵ (۲) نگاهی گذرا به ویژگی‌های شعر سهراب سپهری ۱۰۵
- ۱۰۶-۵ (۳) معرفی اجمالی مجموعه‌های شعر سهراب سپهری ۱۰۶
- ۱۱۵-۵ (۴) حسامیزی در شعر سهراب سپهری ۱۱۵

۱۱۵ ۱-۴-۵ حسی - حسی
۱۱۹ ۲-۴-۵ حسی - غیرحسی
۱۲۴ ۳-۴-۵ ویژگی‌های حسامیزی در شعر سپهری
۱۲۴ ۱-۳-۴-۵ بسامد و تنوع حسامیزی در شعر سپهری
۱۲۴ ۲-۳-۴-۵ ارتباط حسامیزی به کاررفته در شعر سپهری با هنر نقاشی او
۱۲۶ ۳-۳-۴-۵ حسامیزی مبتنی بر جابه جایی صفت
۱۲۷ ۴-۳-۴-۵ حسامیزی مبتنی بر تشبیه
۱۲۷ ۴-۴-۵ کارکردهای حسامیزی در شعر سپهری
۱۲۷ ۱-۴-۴-۵ همخوانی حسامیزی با بن‌مایه (موتیف) های شعر سپهری
 ۲-۴-۴-۵ همخوانی ترکیب‌های حس‌آمیخته‌ی به کاررفته در دفتر ما هیچ ما نگاه با
۱۳۱ مفاهیم انتزاعی

فصل ششم - فروغ فرخزاد ۱۳۴ - ۱۵۹

۱۳۵ ۱-۶ نگاهی گذرا به زندگی فروغ
۱۳۶ ۲-۶ نگاهی گذرا به ویژگی‌های شعر فروغ
۱۳۸ ۳-۶ معرفی اجمالی مجموعه‌های شعر فروغ
۱۴۳ ۴-۶ حسامیزی در شعر فروغ
۱۴۴ ۱-۴-۶ حسی - حسی
۱۴۸ ۲-۴-۶ حسی - غیرحسی
۱۵۲ ۳-۴-۶ ویژگی‌های حسامیزی در شعر فروغ
۱۵۲ ۱-۳-۴-۶ بسامد و تنوع حسامیزی در شعر فروغ
۱۵۲ ۲-۳-۴-۶ حسامیزی مبتنی بر تشبیه
۱۵۳ ۳-۳-۴-۶ حسامیزی مبتنی بر جابه‌جایی صفت
۱۵۴ ۴-۳-۴-۶ حسامیزی در سروده‌های عاشقانه‌ی فروغ
۱۵۵ ۴-۴-۶ کارکردهای حسامیزی در شعر فروغ
۱۵۵ ۱-۴-۴-۶ همخوانی حسامیزی با بن‌مایه (موتیف) های شعر فروغ
۱۵۶ ۲-۴-۴-۶ همخوانی حسامیزی با تصاویر شعر فروغ
۱۵۸ ۳-۴-۴-۶ تأثیر لحظات ناب شاعرانه در خلق حسامیزی های خلاق

فصل هفتم - محمدرضا شفیعی کدکنی ۱۶۰ - ۱۸۷

۱۶۱ ۱-۷ نگاهی گذرا به زندگی شفیعی کدکنی
۱۶۲ ۲-۷ نگاهی گذرا به مجموعه‌ها و دفترهای شعر شفیعی کدکنی
۱۷۲ ۳-۷ نگاهی گذرا به عناصر و ویژگی‌های شعر شفیعی کدکنی
۱۷۴ ۴-۷ حسامیزی در شعر شفیعی کدکنی

۱۷۴ حسی - حسی (۱-۴-۷)
۱۷۷ حسی - غیرحسی (۲-۴-۷)
۱۸۲ ویژگی‌های حسّامیزی در شعر شفیعی کدکنی (۳-۴-۷)
۱۸۲ بسامد و تنوع حسّامیزی در شعر شفیعی کدکنی (۱-۳-۴-۷)
۱۸۲ حسّامیزی مبتنی بر تشبیه (۲-۳-۴-۷)
۱۸۳ حسّامیزی مبتنی بر جابه‌جایی صفت (۳-۳-۴-۷)
۱۸۳ ناهمگونی توزیع فراوانی حسّامیزی در دو مجموعه‌ی شفیعی کدکنی (۴-۳-۴-۷)
۱۸۴ کارکردهای حسّامیزی در شعر شفیعی کدکنی (۴-۴-۷)
۱۸۴ همخوانی حسّامیزی با تصاویر هنری - عاطفی مجموعه‌ی آینه‌ای برای صداها ... (۱-۴-۴-۷)
۱۸۵ همخوانی ترکیب‌های حسّ آمیخته با موتیو خوشبختی ، نشاط و امیدواری (۲-۴-۴-۷)

فصل هشتم - قیصر امین پور ۱۸۸ - ۱۹۹

۱۸۹ نگاهی گذرا به زندگی قیصر امین پور (۱-۸)
۱۹۰ نگاهی گذرا به دفترهای شعر قیصر امین پور (۲-۸)
۱۹۳ نگاهی گذرا به ویژگی‌های شعر قیصر امین پور (۳-۸)
۱۹۳ حسّامیزی در شعر قیصر امین پور (۴-۸)
۱۹۴ حسی - حسی (۱-۴-۸)
۱۹۶ حسی - غیرحسی (۲-۴-۸)
۱۹۸ ویژگی‌ها و کارکردهای حسّامیزی در شعر قیصر امین پور (۳-۴-۸)
۲۰۰ نتیجه‌گیری نهایی
۲۰۱ ارائه پیشنهاد برای ادامه‌ی پژوهش

فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان
۳۹	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر نیما
۳۹	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر نیما
۶۳	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر شاملو
۶۳	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر شاملو
۹۴	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر اخوان
۹۴	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر اخوان
۱۲۳	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر سپهری
۱۲۳	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر سپهری
۱۵۱	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر فرخزاد
۱۵۱	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی
۱۸۱	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر شفیعی کدکنی
۱۸۱	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر شفیعی کدکنی
۱۹۷	جدول و نمودار (۱) بسامد و نوع حسّامیزی در شعر امین پور
۱۹۷	جدول و نمودار (۲) مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر امین پور
۲۰۲	جدول مقایسه‌ی بسامد انواع حسّامیزی حسّی - حسّی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۳	نمودار مقایسه‌ی بسامد انواع حسّامیزی حسّی - حسّی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۴	جدول و نمودار بسامد حسّامیزی حسّی - حسّی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۵	جدول و نمودار بسامد حسّامیزی حسّی - غیر حسّی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۶	جدول و نمودار مقایسه‌ی حسّامیزی حسّی - حسّی با حسّی - غیر حسّی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۷	جدول و نمودار بسامد حسّامیزی در شعر هفت شاعر معاصر
۲۰۸	منابع

موضوع: حسّامیزی در شعر هفت شاعر معاصر (نیما ، شاملو ، اخوان ، سپهری ، فرخزاد ، شفیعی کدکنی و امین‌پور)

از: علیرضا انصاری پیری

هر تعریفی که از شعر ارائه‌دهیم ، بی‌شک عنصر معنوی شعر در همه‌ی زبان‌ها و زمان‌ها «خیال» است . عنصر خیال در شعر ، میزان تصرف شاعر را در توصیف واقعیات تعیین می‌کند و چگونگی نگرش او به واقعیات مادی و معنوی از دریچه‌ی خیال ، آفریننده‌ی صورتهای خیالی است . بی‌تردید شناخت و بررسی فتنونی که به واقعیات لباس تخیل می‌پوشاند ، ما را به شناخت ماهیت شعر رهنمون خواهد شد .

«حسّامیزی» یکی از شگردهای هنری ادای مفاهیم به شکل خیالی است که در آن ذهن شاعر با تصرف و توسعه‌ی دایره‌ی واژگانی یک حس و یا نسبت‌دادن عرصه‌های مربوط به یک حس به حس دیگر ، به خالق تصاویر خیالی دست می‌زند .

این رساله درنگ و تأملی است در به‌کارگیری این آرایه در شعر هفت تن از شاعران معاصر (نیما ، شاملو ، اخوان ، سپهری ، فرخزاد ، شفیعی کدکنی و امین‌پور) که در هشت فصل تدوین یافته‌است . فصل اول به تعریف ، انواع ، اشکال ، پیشینه و تبیین مبانی نظری این آرایه ، از نظر زبان‌شناسی ، زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی اختصاص دارد . و در هر یک از هفت فصل بعدی پس از بحث مختصری در باره‌ی زندگی ادبی شاعر ، به معرفی اجمالی دفترهای شعر هر شاعر پرداخته شده‌است . سپس موارد حسّامیزی به‌کاررفته در شعر هر شاعر نامگذاری و به ترتیب بسامد مرتب و دسته‌بندی شده ، همچنین ویژگی‌ها و کارکردهای این آرایه در شعر هر یک از هفت شاعر مورد واکاوی قرار گرفته‌است .

حاصل بررسی‌ها میزان به‌کارگیری ، تنوع و نوع بهره‌گیری هنری هر شاعر از این آرایه را نشان می‌دهد و آشکار می‌سازد مهم‌ترین کارکرد حسّامیزی در شعر هر شاعر همخوانی آن با بن‌مایه (موتیف) های موجود در شعر آن شاعر است . به عبارت دیگر با بررسی عناصر امتزاجی حسّامیزی در شعر هر شاعر ، ارتباط معناداری بین این عناصر با بن‌مایه‌های شعر شاعر و دنیای اندیشگانی او آشکار می‌شود .

واژگان کلیدی: شعر ، خیال ، حسّامیزی ، حسّی و غیرحسّی

English Abstract

Subject : Synesthesia in poems of seven contemporary poets (Nima ,Shamlou , Akhavan , Sepehri , Farokhzad , Shafiei Kadkani and Aminpour)

By : Alireza Ansari Piri

Presenting any description of poem , the intellectual element of poem in all languages and periods is doubtlessly “ Fantasy ” . The element of fantasy in poem , determines delineation of the poet in description of facts and his attitude towards physical and intellectual facts out of fantasy gate creates fantastic phases . Undoubtedly that identifying and studying on skills that make the facts fantastic , leads us to know the nature of poem

“ Synesthesia ” is one of the artistic techniques of expressing the concepts in form of fantasy in which the poet attends to create fantastic images by possession and development of terms of a feeling or attributing the related field from one sense to another.

This thesis is a pause to think over application of this literal feature in poems of seven contemporary poets (Nima , Shamlou , Akhavan , Sepehri , Farokhzad , Shafiei Kadkani and Aminpour) which have been collected in eight chapters . The first chapter is set for explanation , types , forms , history and explication of theoretical principles of this feature from linguistic , aesthetics and psychological point of view and in each succeeding chapters after a summarized review about the literal life of the poet , it has paid attention to introduce poetry books belonging to each poet concisely . Then , the items of synesthesia applied in poems , have been denominated and arranged in sequence of frequency and applications of this array in poem of each poet .

The results of this study show the rate of application , variety and type of artistic utilization of each poet from this feature and make it obvious that the most important application of synesthesia in poem is the coordination of it with roots (motives) of existing in that poem . On the other hand , a meaningful relation between these elements with roots of the poems of the poets and their mistrusted world will be clear by studying compounded elements of synesthesia in each poem of poets .

Key Words : Poem , Fantasy , Synesthesia , Sensory and non sensory

مقدمه

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

فراگیرترین نقش زبان ایجاد ارتباط میان افراد یک جامعه‌ی زبانی است. در این نوع ارتباط، هدف، انتقال اطلاعات است که انسان با به‌کارگیری واژه‌ها و جمله‌ها در هنجار زبان، به ایجاد ارتباط با دیگران می‌پردازد.

اما کاربرد زبان فقط به ایجاد ارتباط محدود نمی‌شود. وقتی همین واژه‌ها و جملات با خلاقیت و قدرت تخیل یک گوینده‌ی هنرمند و با بهره‌گیری از امکانات گسترده‌ی زبانی، محمل احساس و عاطفه‌ی انسانی می‌شود، یک آفرینش هنری رقم می‌خورد.

در ورود زبان به قلمرو ادبی - که اصطلاحاً به آن کاربرد زبان در نقش ادبی گفته می‌شود - عوامل شناخته و ناشناخته‌ی زیادی تأثیر و دخالت دارند. یکی از عوامل مؤثر در ورود زبان به ساحت ادب، شگردی است که حاصل در نوردیدن عرصه‌های حواس مختلف و نسبت‌دادن عرصه‌های یک حس به حس دیگر است که اصطلاحاً به آن حس‌امیزی می‌گویند.

به‌کارگیری این آرایه در دوره‌های مختلف شعر فارسی، تنوع و وسعت به‌کارگیری آن در شعر معاصر و فقدان تحقیقی مستقل در این باره، از علل ضرورت انجام چنین پژوهشی است.

هدف از این پژوهش شناسایی، استخراج و دسته‌بندی موارد حس‌آمیخته در شعر هفت شاعر معاصر و همچنین تحلیل ویژگی‌ها و کارکردهای آن و پاسخگویی به سؤالاتی از این قبیل است:

الف - میزان حس‌امیزی در شعر هر یک از این هفت شاعر چقدر است؟ و از نظر تنوع و چگونگی به‌کارگیری دارای چه ویژگی‌هایی است؟

ب - موارد حس‌آمیخته و چگونگی امتزاج عرصه‌های حسی چه میزان با تصاویر، بن‌مایه‌ها و سامانه‌ی اندیشگانی شاعر ارتباط و همخوانی دارد؟

پیشینه‌ی تحقیق

علی‌رغم به‌کاررفتن حس‌امیزی در دوره‌های مختلف شعر فارسی، در گذشته نویسندگان کتب بلاغی توجه مستقلی به آن نکرده‌اند. هرچند اهمیت این آرایه به لحاظ زیبایی‌شناختی بیش از آرایه‌هایی از قبیل تنسیق‌الصفات، ماده تاریخ و است که در کتب بلاغی قدیم ما، به تفصیل در باره‌ی آن‌ها بحث شده است.

— اولین بار دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی با وضع اصطلاح حسامیزی در مقابل واژه‌ی *synaesthesia* این شگرد ادبی را نامگذاری و مطرح کرد. همچنین ایشان در کتاب موسیقی شعر، شاعر آینه‌ها و مقدمه‌ی تفسیر غزلیات شمس تلاش بس مبارکی جهت ارائه‌ی نمونه‌های حسامیزی در شعر فارسی و راز زیبایی‌شناختی و تبیین مبانی نظری آن نموده‌است.

— همچنین مقاله‌ای با عنوان «وحدت حواس و آفرینش شعر» از دکتر محمدتقی یاسمی و دکتر غلامحسین معتمدی در دو شماره‌ی مجله‌ی دنیای سخن، شماره‌های ۲۷ و ۲۸ شهریور ۱۳۶۸، به چاپ رسیده‌است که بیشتر تبیین مبانی علمی حسامیزی مورد توجه نویسندگان بوده‌است. ضمناً به موضوعاتی از قبیل انواع حسامیزی، حسامیزی صوت و نور، سمبولیسم آوایی، حسامیزی در ادبیات جهان، حسامیزی و شعر و حسامیزی در شعر فارسی نیز پرداخته‌اند.

— مقاله‌ی دیگری نیز در این زمینه از آقای کاووس حسن‌لی با عنوان حسامیزی در دو شماره‌ی ۱۷ و ۱۸ مجله‌ی ادبیات معاصر سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده‌است که نویسنده به ارائه‌ی تعریف حسامیزی و تقسیم بندی بیست‌گانه‌ی آن پرداخته و نمونه‌هایی از شعر فارسی نیز ارائه کرده‌است.

— مقاله‌ی دیگری با عنوان «حسامیزی در موسیقی‌دانان ایرانی» از خانم مریم شریعت‌زاده‌ی جنیدی در فصل‌نامه‌ی هنر، بهار سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده‌است که نویسنده با ارائه‌ی آمارهایی نتیجه می‌گیرد که پدیده‌ی حسامیزی به‌طور چشمگیر در هنرمندان به ویژه در موسیقی‌دانان وجود دارد.

— پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «بررسی حسامیزی در دیوان صائب» در دانشگاه تربیت معلم مربوط به سال ۱۳۸۲ موجود است که تدوین‌کننده‌ی آن، آقای سعید بیراوند، در آن موارد حس‌آمیخته را از دیوان صائب استخراج و دسته‌بندی کرده‌است. نتیجه‌ی جست‌وجوها حاکی است که پژوهش مستقلی در باره‌ی حسامیزی در شعر معاصر به صورت گسترده صورت‌نگرفته‌است.

محدوده و روش تحقیق

این پژوهش محدود به شعر هفت شاعر معاصر است و برای انجام آن، دفترهای شعر شاعران مذکور به دقت مورد مطالعه قرار گرفته‌است. درعین حال از آنجایی که شناخت اجزای یک کل در گرو شناخت کلیت آن است، از اینرو در این پژوهش، به منظور تحقق این امر مهم، علاوه بر پرداختن مختصر به زندگی ادبی و فرهنگی هر شاعر و معرفی اجمالی مجموعه‌ها و دفترهای شعر آن‌ها، ویژگی‌های کلی شعر هر شاعر نیز مورد توجه قرار گرفته‌است. روش تحقیق مبتنی بر رهیافت کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی متون منتخب است.

ساختار پایان‌نامه

این رساله در هشت فصل تدوین یافته‌است که فصل اول به کلیاتی در باره‌ی حسامیزی، از قبیل انواع و اشکال آن، پیشینه‌ی حسامیزی و ارائه‌ی نمونه‌هایی از کاربرد آن در شعر قدیم و نیز به تبیین مبانی نظری حسامیزی از نظرگاه زبان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی اختصاص دارد. هر یک از هفت فصل بعدی به یک شاعر اختصاص یافته که پس از توصیف زندگی ادبی و فرهنگی شاعر، مجموعه‌ها و دفترهای شعر او معرفی شده‌اند و پس از برشمردن ویژگی‌های کلی شعر هر شاعر، موارد حس‌آمیخته‌ای که در شعر شاعر به‌کاررفته، نامگذاری و به ترتیب بسامد دسته‌بندی شده و از طریق رسم نمودار دایره‌ای میزان و نوع حسامیزی به‌کاررفته در شعر او به نمایش درآمده‌است. در پایان هر فصل ویژگی‌ها و کارکردهای حسامیزی در شعر هر شاعر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است.

در پایان با رسم جداول و نمودارها، بسامد تطبیقی انواع حسامیزی و میزان کاربرد آن در شعر شاعران منتخب، نشان داده‌شده و با بهره‌گیری از یافته‌های آماری مباحث رساله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده‌است. آخرین مطلب رساله مربوط به پیشنهادهایی برای ادامه‌ی پژوهش است.

فصل اوّل

کلیّات

۱-۱) شعر چیست ؟

شاید انسان به این دلیل « معمای هستی » نام گرفته است که برخی مقولاتی که مربوط به دنیای اندیشگانی او و یا انعکاس دهنده‌ی حالات روحی و عاطفی اوست ؛ دارای چنان عمق ، گستردگی و پیچیدگی اند ، که شناخت و ارائه‌ی تعریف کامل از آن‌ها ناممکن به نظر می‌رسد .

« شعر » جزء مقولاتی است که علی‌رغم تعریف‌های مختلف و متنوعی که از آن ارائه گردیده ، همچنان کیفیت و چگونگی‌اش نامعلوم و تعریف ناپذیر مانده است . گویا اساساً شعر از « بی‌آیاترین » (امین پور ، ۱۳۸۴ : ۱۲) مسائلی است که در طول تاریخ ، آيایی که در برابرش نهاده‌اند ، پاسخ کافی و همه پسند نیافته است .

شعر آن شاهده‌ی است که علی‌رغم آشکاری « موی و میانش » (اجزا و عناصرش) آني دارد (حلاوت و حقیقتی) دارد که نه توصیف‌پذیر است و نه آموختنی . به کمند عقل صید نمی‌گردد اما جذب مغناطیس روح می‌شود .

جهت پرتوافکنی و آشکاری زوایایی از « شعر » ذیلاً تعریف‌هایی که برخی صاحب‌نظران از آن ارائه کرده‌اند ، نقل می‌شود .

۱-۱-۱) معنی لغوی شعر

بعضی واژه‌ی « شعر » را معرب کلمه‌ی « شیر » عبری که به معنی سرود و آواز بوده و مصدرش « شور » می‌باشد ، دانسته‌اند و به زعم برخی شعر گرفته شده از لغت « شعور » است و شعور از واژه‌ی « شعر » (موی) به معنای باریک‌بینی و دقت نظر است و نتیجتاً شاعر ، مُدرِّکِ مطالب دقیق و لطیف می‌باشد. (رمزجو ، ۱۳۶۹ : ۵۹)

۱-۱-۲) معنی اصطلاحی شعر

خواجه نصیر در کتاب اساس‌الاعتباس پس از ذکر مقدماتی چند در باب شعر چنین می‌گوید : « پس شعر در عرف منطقی کلام مخیل است ، و در عرف متأخرین ، کلام موزون مقفی . چه به سبب این عرف ، هر سخنی را که وزنی و قافیتی باشد ، خواه آن سخن برهانی باشد ، و خواه خطابی ، خواه صادق باشد و خواه کاذب ، آن را شعر خوانند ، و اگر چه از وزن و قافیه خالی بود ، اگر چه مخیل بود آن را شعر نخوانند ، و اما قدما ، شعر ، کلام مخیل را گفته‌اند ، اگرچه موزون حقیقی نبوده است ... » (خواجه نصیر طوسی ، ۱۳۴۱ : ۵۸۷)

نظامی عروضی سمرقندی در تعریف شعر می‌گوید : « صنعتی است که شاعر بدان صنعت ، آتساقی مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات مُنتجه ، بر آن وجه که معنی خُرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خُرد ، و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند ، و به ایهام طبع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام را در نظام عالم سبب شود. » (عروضی سمرقندی ، ۱۳۴۱ : ۲۶)

دکتر شفیعی کدکنی می‌گوید: « شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته‌است. »
(شفیعی کدکنی ، ۱۳۸۷ ب : ۸۶) همچنین « شعر حادثه ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت گوینده شعر ، با شعر خود ، عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند.»
(شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۳ : ۳)

داریوش آشوری معتقد است « شعر حادثه ای است که در جهان روی می‌دهد و همچون هر آنچه در جهان روی می‌دهد ، در زبان بازمی‌تاباند . زیرا زبان آینه‌ی جهان است . » (آشوری ، ۱۳۸۷ : ۳۳)

« رستاخیز کلمات » تعبیر و تلقی‌ای است از شعر ، از دیدگاه شکلوسکی و هم‌رایان او در نحله صورنگرایان روس»
(شفیعی کدکنی ، ۱۳۸۷ ب : ۵)

« کارگاه حشر معانی » تعبیری است از شعر ، از دیدگاه بیدل دهلوی

بیدل ! سخنم کارگه حشر معانی است چون غلغله ی صور قیامت کلماتم « (همان : ۵)

« معراج حقایق » تعبیری است که سیروس طاهباز برای شعر به کار گرفته‌است. (طاهباز ، ۱۳۶۸ : ۲۲)

اخوان ثالث می‌گوید: « شعر محصول بی‌تابی آدم است در لحظاتی که شعور نبوت بر او پرتو افکنده» (اخوان ثالث ، ۱۳۸۶ ب : ۱۳۶)

۱-۱-۳ عناصر شعر

از آنجایی که شعر از زوایای مختلف بر ذهن‌ها تابیده ، لذا تعاریف متنوعی نیز پیدا کرده‌است ، و هر کس با برجسته کردن وجهی از وجوه آن و به فراخور دانش و آگاهی خود ، شعر را تعریف و تبیین کرده‌است . تفاوت و تنوع اجزا و عناصری که برای شعر برشمرده‌اند ، از یک طرف ناشی از چند وجه بودن آن و از سوی دیگر ناشی از گریزپایی و قالب‌ناپذیری شعر است . ولی آنچه کم و بیش مورد توافق و پذیرش محققان به عنوان عناصر شعر قرار گرفته عبارتند از :

الف - تخیل

ب - عاطفه

پ - زبان

ت - موسیقی

ث - شکل

از میان عناصر پنج‌گانه ی فوق ، حس‌آمیزی ذیل عنصر تخیل قابل بررسی است . لذا بحث در باره‌ی چهار عنصر دیگر در اینجا ضروری به نظر نمی‌رسد.

۱-۳-۱-۱) تخیل

هر تعریفی که از شعر ارائه دهیم، بی‌شک عنصر معنوی و جوهر اصلی شعر در همه زبان‌ها و زمان‌ها عنصر «خیال» است. عنصر «خیال» در شعر میزان تصرف ذهن شاعر را در توصیف واقعیات تعیین می‌کند و چگونگی نگرش به واقعیات مادی و معنوی از دریچه‌ی خیال است، که آفریننده‌ی صورت‌های خیالی است. «جان کروورنسام از معروفترین منتقدان جدید آمریکا، هنر را «تصویر خیال آمیز» واقعیت شمرده‌اند.» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۷۸۴)

دکتر شفیع کدکنی در باب اهمیت خیال در شعر می‌گوید: «آیا بی‌نیروی خیال و بی‌تصرف خیالی در مفاهیم هستی، می‌توان شعری سرود؟ این پرسشی است که هرکس اندک آشنایی با جوهر شعر داشته‌باشد، در پاسخ آن خواهدگفت: نه! زیرا اگر از هر شعر مؤثر و دل‌انگیز، جنبه‌ی خیالی آن را بگیریم، جز سخنی ساده و عادی که از زبان همه کس قابل شنیدن است چیزی باقی نمی‌ماند.» (شفیعی کدکنی: ۱۳۷۰ الف: ۵)

از اینرو «پذیرش این حقیقت که واقعیت دنیای واقعی، تنها واقعیت موجود نیست، راهگشای شاعر به ساحت خیال است و آگاهی از حضور در این ساحت، همان مرتبه‌ای است که در شعر متجلی می‌شود.» (یوسف نیا، ۱۳۷۴: ۱۹)

۱-۲) حسامیزی

شاعر برای ادای مفاهیم به شکل خیالی، از ابزارها و شگردهایی کمک می‌گیرد که این شگردها عموماً در گذشته ذیل عنوان علم «بیان» تعریف، بازکاوی و دسته‌بندی شده‌اند و در چهار زمینه‌ی «تشبیه»، «استعاره»، «مجاز» و «کنایه» گنجانده شده‌اند.

«حسامیزی» یکی از شگردهای هنری ادای مفاهیم به شکل خیالی است و از عواملی است که در رستاخیز کلام نقش مؤثری دارد و از شاخه‌های چهارگانه علم بیان، بیشتر در حوزه‌ی مجاز قابل بررسی است. زیرا در حسامیزی با آمیختن عرصه‌ی دو حس، یک حس، در معنای غیرحقیقی به‌کار می‌رود و رابط و پیونددهنده‌ی معنی حقیقی و معنی مجازی که - اصطلاحاً به آن «علاقه» می‌گویند - ملازمت و همجواری حواس پنج‌گانه است، که گذار از معنی حقیقی به معنی مجازی را برای ذهن اقناع‌کننده و قابل پذیرش می‌سازد.

مثل: «اما چرا

آهنگ‌های شعرهای تیره

و رنگشان تلخ است» (امین پور، ۱۳۸۷ ب: ۲۳)

که در مصراع دوم امر بینایی (تیره) به امر شنوایی (آهنگ) و در جمله‌ی «و رنگشان تلخ است» امر چشایی به امر بینایی مجازاً نسبت داده شده‌است.

البته بررسی‌های صورت‌های مختلف حسامیزی نشان می‌دهد که در مواردی باید آن را در حوزه‌ی شاخه‌های دیگر علم بیان - غیر از مجاز - بررسی کرد. مثلاً در مصراع «زندگی در آن وقت حوض موسیقی بود» (سپهری، ۱۳۸۶: ۲۳) حوض از امور دیداری، و موسیقی از امور شنیداری است. به این ترتیب با یک اضافی تشبیهی حسامیزی شده روبرو هستیم

همچنین «برخی از نمونه‌های حسامیزی را می‌توان در حوزه‌ی استعاره بررسی و توجیه کرد:

می‌چکد از سینه‌ی من خون رنگ لخته شد «آواز» من در باغ سنگ

احمد عزیزی

«آواز» به استعاره از خون در بیت بالا لخته شده است و از متعلقات آن نیز همان «لخته شدن» است. اما از آنجایی که «آواز» از امور شنیداری و «خون» از امور دیداری است حسامیزی استعاری صورت پذیرفته است. «(حسن‌لی، ۱۳۷۶: ۲۲)

و نیز برخی از موارد حسامیزی با مفهوم کنایی همراه هستند. مثل «اوقات تلخی» یا «ترشروی» که بر همان قیاس می‌توان این دسته را حسامیزی کنایی نامید.

۱-۲-۱) پیشینه‌ی حسامیزی

«ظاهراً در ادبیات همهٔ زبانها، بیش‌وکم، استعاره‌هایی می‌توان یافت که در تحلیل معنی‌شناسیک، به همین نکته بازمی‌گردد؛ یعنی حاصل مفهومی آن‌گونه استعاره‌ها و مجازها جانشین کردن حسی است به جای حس دیگر.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷ الف: ۹۳/۱)

علی‌رغم به‌کاررفتن حسامیزی در دوره‌های مختلف شعر فارسی، نویسندگان قدیم کتب بلاغی توجه مستقلی به آن نکرده‌اند. هرچند اهمیت این آرایه، به لحاظ زیبایی‌شناختی بیش از آرایه‌هایی از قبیل تنسیق الصفات و ماده تاریخ و ... است که در کتب بلاغی قدیم ما به تفصیل درباره آن‌ها بحث شده است.

به نظر می‌رسد علت عدم توجه متخصصان علوم بلاغی در گذشته به آرایه‌هایی از این قبیل، این است که «بلاغت قدیم برای تفکر و زبان (در واقع هستی) ساحتی دو قطبی، متشکل از حقیقت و مجاز قائل است، حقیقت زبانی همان قلمرو دلالت اولیه و معنای وضعی کلمه است و مجاز عبارت است از کندن واژه از موضع دلالتی و معنای واقعی خود و انتقال آن به معنای دیگر.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۱)

براساس این دیدگاه رسالت بلاغیان قدیم این بود که در تحلیل بلاغی خود مجازها را به همان معنای حقیقی بازگردانند لذا مجازهایی که به واقعیات غیرحسی مربوط می‌شوند نادیده گرفته شده‌اند بنابراین «در صورت‌های مجازی مانند پارادوکس، حسامیزی، تمثیلهای رمزی و نمادهای شخصی شاعران و نویسندگان، اجزای سازندهٔ تصویر مجازی (ایده + تصویر) به وحدت تمام می‌رسند و چون قابل تفکیک به دو ساحت مجازی و حقیقی نیستند، رازناک می‌شوند. بدیهی است که بلاغت

سنتی نتواند با روش‌های طراحی‌شده برای تحلیل مجاز و تشبیه و استعاره‌های حسی به تحلیل این نوع مجازها بپردازد زیرا پیوند دادن آن مجازها با زبان واقعی ناممکن است. « (همان: ۱۲ - ۱۳)

عامل دیگر، تأسی بلاغیان قدیم به بلاغت‌نویسان زبان عربی بود. به همین دلیل در گذشته، کتب بلاغی ما به شکل و سیاق آثار بلاغی عربی تدوین یافته‌است. حتی در ذکر شاهد مثال‌ها نیز جملات و ابیات عربی مورد توجه بوده‌است. .
کما این که توجه و پرداختن به آرایه‌هایی مثل حسامیزی در آثار صاحب‌نظران در سال‌های اخیر نیز به دلیل تأثیرپذیری آن‌ها از آثار ناقدان اروپایی است.

همانطور که دکتر شفیعی کدکنی - که به نظرمی‌رسد اولین کسی است که با وضع اصطلاح « حسامیزی » به این آرایه توجه مستقلی نموده‌است - پس از تعریف و تبیین این آرایه می‌گوید: « این مسأله‌ای است که ناقدان اروپایی آن را Synaesthesia می‌خوانند و ما اصطلاح حسامیزی را در برابر آن پیشنهاد می‌کنیم. » (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۷۱)

۱-۲-۲) تعریف حسامیزی

ادراک ما از پدیده‌های مادی به کمک حواس پنج‌گانه صورت می‌گیرد که عبارتند از: ۱- باصره (بینایی) ۲- سامعه (شنوایی) ۳- ذایقه (چشایی) ۴- شامه (بوایی) ۵- لامسه (بساوایی) هر یک از حواس پنج‌گانه، در قلمرو و محدوده‌ی خاصی فعال است. انسان به کمک حس بینایی، دیدنی‌ها را می‌بیند و به کمک شنوایی صداها را می‌شنود و به کمک چشایی مزه‌ها را درک می‌کند و بوها با حس بوایی و نرمی و سختی و ... نیز با حس بساوایی ادراک می‌شوند.

بنابراین هر یک از حواس مذکور دارای الفاظ مربوط به خود هستند

باصره: رنگ، شکل، دیدن، تماشا و ...

سامعه: صدا، آهنگ، نغمه، شنیدن و ...

ذایقه: شیرینی، تلخی، ترشی، چشیدن و ...

شامه: عطر، بو، بویدن و ...

لامسه: نرمی، سختی، لطافت، لمس کردن و ...

در بیان علمی و غیرهنری، هر یک از الفاظ مذکور با حس مربوط به خود به کار می‌رود. اما در بیان هنری، حس‌ها جای همدیگر را می‌گیرند و قلمرو هر یک وسیع‌تر می‌شود. در چنین بیانی است که صدا دیدنی، بو شنیدنی، خنده تلخ و ناله سوزنده می‌شود.

این نقل مکانی حواس که بواسطه‌ی تخیل صورت می‌گیرد، با بهم‌ریختگی هنجار زبان و عادت ذهن، فرآیند آشنایی‌زدایی را شکل می‌دهد و با به چالش کشیدن ذهن شنونده یا خواننده بواسطه بیان هنری، او را به اعجاب و التذاذ وامی‌دارد.